

﴿الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله﴾ (اعراف: ۴۳)...

اما بعد: بر مبنای آیهی شریفه: ﴿المال والبنون زينة الحياة الدنيا والباقيات الصالحات خير عند ربك ثوابا وخير املا﴾ (کهف: ۴۶)، نظامنامهی موقوفات بنیاد تبار دانشپور به شرح زیر تدوین می‌گردد:

۱. نام: نام مؤسسه «موقوفات بنیاد تبار دانشپور» می‌باشد که به لحاظ اختصار در این نظامنامه «بنیاد» نامیده می‌شود.

۲. نوع: موقوفات بنیاد تبار دانشپور، یک مؤسسه خیریه تباری غیرانتفاعی، غیرسیاسی، و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است، که زیر نظر مجمع عمومی بنیاد تبار دانشپور، و به ترتیبی که در این نظامنامه آمده است، اداره می‌شود. نماینده حقوقی بنیاد، رئیس مجمع عمومی یا متولی آن است.

۳. مرکز اصلی بنیاد تبار دانشپور: این مرکز در تهران، جماران، خیابان شهید محسن چراغی، کوی شمیرا، پلاک ۷ (محل ملک مورد وقف) واقع است، که در صورت لزوم می‌تواند در سایر نقاط داخلی یا خارج کشور شعبه، نمایندگی یا دفتر دائر نماید.

۴. مدت فعالیت: مدت فعالیت بنیاد نامحدود است.

۵. انگیزه‌ی تأسیس: از دوران کودکی که با موقوفات اولادی جد مادری خود آشنا شدم، همواره در این اندیشه بودم که من هم بتوانم چنین باقیات الصالحاتی داشته باشم.

در سال ۱۳۵۹ که ملک به پلاک ثبتی شماره ۱۶۱۵ / ۴۸، محل مجمع فرهنگی دکتر دانشپور - واقع در

(نمونه ای از وقف نامه های جدید)

نظامنامه موقوفات بنیاد تبار دانشپور

سنت وقف نامه نویسی در ایران سابقه دیرینه ای دارد. نویسندگان متون وقف نامه‌ها عالمان و ادیبان برجسته ای بوده اند که بسیاری از مسائل مهم اجتماعی، اخلاقی و حقوقی را در قالب عبارات ادیبانه متناسب با موضوع و مصارف موقوفه در متن وقف نامه گنجانده اند. به طوری که امروز وقف نامه‌ها به عنوان اسناد معتبر تاریخی مورد بهره‌برداری پژوهشگران علوم تاریخ، جغرافیا، جامعه شناسی و حقوق قرار می‌گیرد. ما در اکثر شماره‌های این فصلنامه نمونه‌هایی از متن وقف نامه‌ها را به منظور آشنایی خوانندگان منتشر کرده ایم.

آنچه ذیلاً خواهد آمد شکل جدیدی از وقف نامه نویسی است که در قالب «نظام نامه» و «بنیاد» ارائه شده است. متن آن به قلم استاد محترم دانشگاه حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید علی دانشپور که خود واقف نیز می‌باشد تحریر شده است و از لحاظ جامعیت و توجه به نکات دقیق حقوقی و فقهی حائز اهمیت است.

«میراث جاویدان»



تهران، مجیدیه شمالی، منطقه ۴ آموزش و پرورش را، طی سند شماره/۸۴۳۵۳/۵۹/۱۲/۲۷/وقف عام (وقف آموزش و پرورش) نمودم، اراده وقف خاص تبار دانشپور نیز تشدید شد. درباره عملی کردن این اندیشه با خیلی از اشخاص مطلع - و نیز خود موقوف علیهم - بارها مشورت نمودم، تا سرانجام با یاری خداوند متعال این توفیق حاصل شد و تأسیس این بنیاد به مرحله قطعی رسید.

برای این کار انگیزه‌ها و دلایل زیادی داشتم. که مهمترین آن‌ها، عدم نیاز فرزندانم، به میراث والدین، و احتمال نیازمندی بعضی از تبار آینده دانشپور بود.

۶. اهداف و اصول کلی: اهداف مهم جعل وقف تحت عنوان سه اصل آورده شده، و درآمد موقوفات نیز بر اساس همین سه اصل - به طوری که در وقف‌نامه آمده است - تقسیم می‌شود:

الف - اصل بقا و توسعه: بر طبق این اصل هدف از تأسیس این بنیاد آن است که اولاً، این موقوفات برای تبار آینده دانشپور باقی بماند و ثانیاً، توسعه پیدا کند. بر این اساس، انتظار دارم تبار دانشپور به هر شکل ممکن برای نگهداری و توسعه این بنیاد کمک کنند. بدان معنی که هر یک، قسمتی از اموال مازاد بر نیاز خود را وقف این بنیاد کنند، تا به مرور زمان این بنیاد بتواند به افراد نیازمند از تبار و غیرتبار به طریقی که در وقف‌نامه آمده است کمک مادی و معنوی نماید.

ب - اصل تشکل «تبار محوری»: در فرهنگ و تمدن جهانی زمان ما، هر چند انسان‌ها به ظاهر دسته‌جمعی زندگی می‌کنند و آیین‌های مدنیّت را مراعات می‌کنند، اما می‌بینیم بعضی از آنان مانند مورچگان حریص، به هر طرف می‌دوند؛ و در پیله‌های شغلی خود گرم‌گونه می‌لوندند. انسان‌های امروز - همانند مردم روز قیامت - از برادر و مادر و پدر و همسر و فرزندان خود فرار می‌کنند: «یوم یفر المرء من اخیه. و امه و ابیه. و صاحبته و بنیه. لکل امری منم یومئذ شان یغنیه» (عبس: ۳۷-۳۴).

در چنین روزگاری تأسیس این بنیاد باعث خواهد شد که برای افراد تبار دانشپور یک گرفتاری دیگر (البته یک گرفتاری مطبوع و خوشایند) بر گرفتاری‌هایشان اضافه شود، و علی‌رغم گرفتاری‌های روزمره‌ای که دارند، پدر، مادر، برادر، خواهر و سایر بستگان خود را نیز فراموش نکنند. با هر شخصیتی (شغلی، کاری، اجتماعی، اقتصادی و...) که دارند و در هر کجای جهان که هستند، حداقل سالی یکبار به بهانه رسیدگی به موقوفات «بنیاد تبار دانشپور» دور هم جمع شوند، تا از قبل آن یکدیگر را بشناسند، از حال و روز یکدیگر باخبر شوند، در غم و شادی یار و غمخوار هم باشند، و برای رفع گرفتاری‌ها با هم مشورت کنند، از فکر یکدیگر استفاده کنند و به یکدیگر کمک مادی و معنوی و فرهنگی و عاطفی برسانند. امید است تأسیس این بنیاد یک نوع توفیق اجباری باشد برای دور هم جمع شدن تبار دانشپور و عدم گسستگی آنان و تشکل تبار محوری، تفاهم با یکدیگر و...

ج. اصل حمایت از تبار نیازمند: هر چند فرزندان و تبار موجود دانشپور، در حال حاضر بحمدالله نیازمند نیستند؛ و از خداوند متعال می‌خواهم که هرگز نیازمند نشوند، اما چرخ روزگار همیشه بر یک مدار نمی‌چرخد و ممکن است - خدای نخواست - در آینده بعضی از فرزندانمان نیازمند شوند.

در همین جای یاد آور می‌شوم: از آنجایی که ریشه تمام نیازمندی‌های مادی بشر در جهل و نادانی و نیازمندی فرهنگی او است، لذا رفع نیازمندی‌های فرهنگی بشر از رفع نیازمندی‌های مادی مهم‌تر است. بدون تردید باورهای فرهنگی خرافی و غیرعقلانی و جاهلانه است که انسان را به نیازمندی مادی دچار می‌کند. منظور اصلی از آمدن پیامبران هم همین بوده که ضمن برقرار کردن قسط و عدالت اجتماعی، جهل و خرافات و باورهای نادرست را از ذهن و اندیشه مردم بیرون کنند. -

یعنی نیازهای فرهنگی را برطرف کنند - تا نیازمندی‌های مادی خود بخود مرتفع شود. منظور از شکستن بت، [علاوه بر شکستن بت‌های مجسمه‌ای] شکستن همان باورهای ذهنی، خرافاتی غیر وحیانی و غیرعقلانی است.

۷. واقف: سیدعلی دانشپور، فرزند مرحوم سیدمحمدابراهیم، فرزند مرحوم سیداحمد، فرزند مرحوم سیداسماعیل، فرزند... به شماره شناسنامه ۵۷۵، صادره از حوزه ۵ سبزوار، متولد ۱۳ بهمن ۱۳۰۶ ه. ش، محل تولد روستای مغيثه واقع در جنوب غرب سبزوار. ساکن تهران، جماران، خیابان شهید محسن چراغی، کوی شمیرا، پلاک ۷، (محل مورد وقف).

۸. موارد وقف

الف. عرصه و اعیان سه دانگ مشاع از شش دانگ یک باب منزل مسکونی، به شرح مندرج در سند و پایان کار شهرداری به مساحت ۹۹۰/۱۰ مترمربع به پلاک فرعی ۲۴۳ از پلاک ثبتی ۸ اصلی، صفحه ۴۵۲ دفتر املاک ۲۹/۲ واقع در بخش ۱۱ تهران. شماره چاپی سند ۲/۱۱۶۸۷۷ صادره به نام واقف با جمیع توابع شرعیه، و با تمامی متعلقات و منضمات و تأسیسات مربوطه از جمله:

سه انشعاب برق، و سه خط تلفن، و سه انشعاب گاز و آب لوله‌کشی تهران و چاه آب و پمپ و سایر متعلقات.
ب. کلیه اشیاء و اثاث خانه مسکونی مورد وقف، و کلیه اشیاء وابسته به آن از کم‌ارزش‌ترین تا باارزش‌ترین آنها (از قبیل فرش، یخچال، فریزر، کتاب‌ها و...) و بطور خلاصه کلیه اشیائی که حق مالکیت بر آنها صادق و متعلق به اینجانب است، جزء اموال موقوفه و جزء بخش بقاء و توسعه موقوفات بنیاد تبار دانشپور است که برای همیشه باید موقوف‌علیهم در همین محل از آنها استفاده نموده، یا در صورت لزوم تبدیل به احسن نمایند. صیغه‌ی وقف بر آنها خوانده شده است، با توجه به اعتمادی که به همسر و فرزندانم داشته‌ام، ریز آنها در وقف‌نامه نیامده است. امید است در فرصت مناسب ریز آنها با مشخصات کامل در دفاتر موقوفات ثبت گردد.

ج. سایر موارد - که ان‌شاءالله - متعاقباً در وقف‌نامه‌های دیگر خواهد آمد و در وصیت‌نامه به آنها اشاره شده است.

۹. نوع وقف: به اعتبار موقوف‌علیهم: وقف خاص اولاد و تبار موجود و غیرموجود دانشپور. به اعتبار بهره‌بری: وقف انتفاع و منفعت، و به اعتبار شمول: ترتیبی، به طریق الاقرب فالاقرب، به شرحی که در بخش موقوف‌علیهم به تفصیل آمده است.

۱۰. موقوف‌علیهم: نظر به اینکه نوع وقف ترتیبی و به طریق الاقرب فالاقرب است، موقوف‌علیهم به طور کلی به سه طبقه

- و افراد محدود در هر زمان - و با تداخل طبقات به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

الف. موقوف‌علیهم طبقه اول: این طبقه به دو دسته تقسیم می‌شود: موقوف‌علیهم موجود و موقوف‌علیهم غیرموجود.

موقوف‌علیهم موجود طبقه اول عبارتند از:

۱. خانم صدیقه قرائتی، فرزند عباسعلی، همسر واقف؛

۲. خانم ملیحه دانشپور، فرزند سیدعلی، فرزند واقف؛

۳. آقای سیدجواد دانشپور، فرزند واقف؛

۴. خانم منیژه دانشپور، فرزند واقف؛

۵. خانم مریم‌السادات دانشپور، فرزند واقف.

تبصره: همسران فرزندان و تبار واقف ذکوراً و اناثاً مادام همسری - اعم از همسر دائم یا موقت - نیز جزء موقوف‌علیهم



همان طبقه‌ای که همسرشان قرار دارد، محسوب می‌شوند و از مزایای موقوف علیهم استفاده می‌کنند.

موقوف علیهم غیر موجود طبقه اول عبارتند از: فرزندان ذکور و اناث احتمالی واقف.

ب. موقوف علیهم طبقه دوم: این طبقه نیز به دو دسته تقسیم می‌شود: موجود و غیر موجود.

موقوف علیهم موجود طبقه دوم عبارتند از:

۱. آقای محمدعلی مدرس نیا، فرزند ملیحه دانشپور؛
۲. آقای امیرحسین مدرس نیا، فرزند ملیحه دانشپور؛
۳. خانم هدی پورحسن زنوز، فرزند منیژه دانشپور؛
۴. خانم هانیة هدایتی، فرزند مریم‌السادات دانشپور؛
۵. خانم ندا پورحسن زنوز، فرزند منیژه دانشپور.

موقوف علیهم غیر موجود طبقه دوم عبارتند از: فرزندان ذکور و اناث احتمالی آقای سیدجواد دانشپور، و فرزندان ذکور و اناث احتمالی خانم‌ها: ملیحه، منیژه و مریم‌السادات دانشپور، (اعم از فرزندان همسر دائم یا موقت).

ج. موقوف علیهم طبقه سوم: این طبقه و طبقات بعد از آن - که در طبقه‌ی سوم مندرج می‌باشند - منحصراً عبارت خواهند بود از: اولاد ذکور طبقه دوم (موجود و غیر موجود فعلی) نسلاً بعد نسل الی غیرالنهایه به ترتیب الاقرب فالاقرب. تبصره ۱: تأکید می‌شود، موقوف علیهم طبقه سوم عبارتند از اولاد ذکور طبقه دوم، و موقوف علیهم طبقه چهارم عبارتند از اولاد ذکور طبقه سوم و... نسلاً بعد نسل الی غیرالنهایه. بر این اساس از طبقه سوم به بعد اولاد اناث جزء موقوف علیهم نیستند.

تبصره ۲: فرزندان موقوف علیهم - مادام که پدر یا مادر آنها (کسی که وسیله تقرب به واقف بوده) زنده باشد - جزء موقوف علیهم با حق رأی محسوب نمی‌شوند، اما در ملاک نیازمندی جزء عائله موقوف علیهم منظور می‌شوند. بعد از فوت واسطه و رسیدن به حد بلوغ، دارای رأی نیز خواهند شد.

۱۱. تداخل طبقاتی: علیرغم اینکه وقف ترتیب خاص خود را دارد، اما در تمام طبقات امکان تداخل طبقاتی وجود دارد و این امر بلامانع است. بطور مثال اگر فرزند طبقه چندم، پدر یا مادر خود را (کسی که وسیله تقرب به واقف بوده) از دست بدهد - چون حاجب و مانع او از بین رفته - بجای پدر و یا بجای مادر خود می‌نشیند و با طبقه قبل هم طبقه می‌شود و از مزایای موقوف علیهم بودن استفاده می‌کند، اعم از اینکه کبیر باشد یا صغیر. ولی شرط شرکت در رأی مجمع عمومی بلوغ



قانونی است (پسر و دختر ۱۸ سال تمام).

۱۲. تیره‌های موجود موقوف‌علیهم: ...

۱۳. تیره‌های غیرموجود موقوف‌علیهم: ...

۱۴. انقراض تبار دانشپور: در صورتی که هر یک از تیره‌های پنجگانه‌ی و تیره‌های پیش‌بینی شده در ماده ۱۳ تبار دانشپور منقرض شوند، بقیه تیره‌ها به کار خود ادامه می‌دهند؛ اما اگر (به فرض) انقراض همه تیره‌ها پیش آید، واقف ضمن‌العقد شرط می‌نماید که هدف اول جعل وقف، (بقا و توسعه)، به حال خود باقی بماند، و هزینه اهداف دوم و سوم به حمایت از نیازمندان تبار دانشپور که مشمول موقوف‌علیهم نیستند (مثلاً تبار اناث از طبقه سوم به بعد) یا غیر تبار دانشپور به طریقی که در وقف‌نامه آمده است، اختصاص یابد، و موقوفات بنیاد تبار دانشپور، با همان نام و همان اهداف به کار خود ادامه دهد؛ و به اصطلاح وقف خاص تبدیل به وقف عام گردد و زیر نظر اداره‌ی اوقاف و هیأت‌امنا اداره شود. در این صورت شیوه‌ی تقسیم درآمد و هزینه کردن آن بدین نحو خواهد بود که (پس از کسر کلیه هزینه‌های ضروری)، یک‌سوم درآمد آن، هزینه بقا و توسعه موقوفات بنیاد تبار دانشپور، و دو‌سوم درآمد آن، زیر نظر هیأت‌امنا در جهت حمایت از (آموزش و پرورش) (نیازمندان) - به هر طریقی که در این وقف‌نامه می‌آید - هزینه شود.

تبصره: متولی مربوط - یا هر شخص دیگری را که مجمع عمومی بنیاد تبار دانشپور تعیین کند - مسؤولیت هماهنگی و نظارت اداره اوقاف رانیز به عهده خواهد داشت، هرگونه دخالت و نظارت اداره اوقاف در موقوفات بنیاد تبار دانشپور، فقط در صورت انقراض کلیه تیره‌های پنجگانه تبار دانشپور ممکن خواهد شد.

۱۵. تولیت و نظارت و مجمع عمومی: تولیت و نظارت مادام‌العمر با واقف است. پس از فوت واقف، جعل تولیت و نظارت با مجمع عمومی بنیاد تبار دانشپور است. امید است واقف زنده بماند و توفیق یابد، تا اولین جلسه مجمع عمومی موقوفات بنیاد تبار دانشپور را - در زمان حیات خود - تشکیل دهد. در صورت فوت واقف، موقوف‌علیهم بالغ و عاقل موظفند در اسرع وقت اولین جلسه مجمع عمومی بنیاد تبار دانشپور را تشکیل دهند، و از بین خود یک نفر را که اصلح و اقدر و اقدم می‌دانند، به عنوان رئیس مجمع عمومی (که سمت تولیت رانیز دارد) و یک نفر را به عنوان نائب‌رئیس (که سمت نایب‌التولیه رانیز دارد) و یک نفر را به عنوان خزانه‌دار و حسابدار (که سمت ناظر و محقق اول رانیز دارد) و یک نفر را به عنوان منشی جلسه (که سمت ناظر و محقق دوم رانیز دارد) به منظور تعیین هیأت‌رئسه، یا هیأت‌امنا موقوفات بنیاد تبار دانشپور، با اکثریت $\frac{۲}{۳}$ آرا برای مدت یکسال یا بیشتر انتخاب کنند. برای انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان، ذکور یا اناث بودن شرط نیست، بلکه

ملاک کسب اکثریت آرا است. این انتخاب فقط برای مدت یکسال یا هر چند سال که به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد معتبر است. در سال یا سال‌های بعد، مجمع عمومی در ابقا یا تعویض متولی و ناظر و... مختار است. انتخاب‌شدگان برای دفعات بعد نیز می‌توانند مجدداً انتخاب شوند.

تبصره ۱: همسران موقوف‌علیهم (ذکوراً و اناثاً و در تمام طبقات) - مادام همسری - جزء موقوف‌علیهم بوده و انتخاب آنان نیز به سمت‌های یاد شده بلامانع است. آن دسته از موقوف‌علیهم که به حد بلوغ قانونی نرسیده‌اند یا جزء موقوف‌علیهم طبقه بعد باشند (بدون داشتن حق رأی) می‌توانند در جلسات مجمع عمومی شرکت نمایند. حق رأی داشتن - در مجمع عمومی - دو شرط دارد: ۱. جزء موقوف‌علیهم بودن؛ ۲. رسیدن به حد بلوغ قانونی (پسر و دختر ۱۸ سال تمام).

تبصره ۲: حق التولیه، حق نایب‌التولیه، حق النظاره و حق الوکاله و... را مجمع عمومی یا کمیته‌ی انضباطی یا تصویب حداقل $\frac{2}{3}$ آرا - بر مبنای اجرت‌المثل - تعیین می‌کند.

۱۶. نایب‌التولیه: واقف با علم به این که باید متولیان بعد از خود را تعیین نماید، تعیین متولی را به عهده مجمع عمومی قرار داده، که خود آنان هر کدام از موقوف‌علیهم را که اصلح و اقدر و اقدم بدانند به عنوان رئیس مجمع و متولی انتخاب کنند و حق داشته باشند برای سال‌های بعد مجدداً آن شخص یا شخص دیگر را به عنوان متولی انتخاب نمایند. اما نواب تولیت را به ترتیب و بدون فرق بین ذکور و اناث بدان جهت تعیین کردم که اولاً: پس از مرگ واقف - تا زمان تعیین متولی از طرف مجمع عمومی - موقوفات بدون متولی و نایب‌التولیه نباشد، ثانیاً: برای تعیین تولیت الگو باشد، بر این اساس نواب تولیت به ترتیب عبارتند از:

خانم صدیقه قرائتی، خانم ملیحه دانشپور، آقای سیدجواد دانشپور، خانم منیژه دانشپور، و خانم مریم‌السادات دانشپور، با مشخصاتی که در بخش موقوف‌علیهم آمده است. در هر حال مجمع عمومی می‌تواند با اکثریت $\frac{2}{3}$ آرا آنان را نیز تغییر دهد.

۱۷. شرح وظایف و حدود اختیارات مجمع عمومی بنیاد تبار دانشپور:

- الف. تعیین خط‌مشی کلی و کلان بنیاد تبار دانشپور و حق تفسیر مواد وقف‌نامه و تطبیق آن با زمان و قوانین جاری؛
- ب. انتخاب رئیس مجمع عمومی (متولی)، نایب رئیس (نایب‌التولیه)، ناظر، خزانهدار و حسابدار، منشی و...؛
- ج. استماع گزارش و پیشنهادات رئیس (متولی)، نایب رئیس (نایب‌التولیه)، ناظران و سایر موقوف‌علیهم، و رسیدگی به گزارشات، بحث و گفتگو و ارائه راه حل برای موارد پیشنهادی؛
- د. تنظیم بودجه سالانه (رسیدگی به درآمدها و هزینه‌ها) و تصویب ترازنامه و بیلان و بودجه و...؛
- ه. رسیدگی به وضع اعضای جدید موقوف‌علیهم، که به جای اعضای قبلی معرفی می‌شوند و تشکیل پرونده برای هر یک از آنان، تدوین آیین‌نامه انضباطی و «تشکیل کمیته انضباطی» و تعیین یا تغییر داوران جهت رسیدگی به تخلفات اعضا؛
- و. تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که اکثر موقوف‌علیهم می‌خوانند، جهت درج آگهی‌های بنیاد؛
- ز. تعیین یا تغییر وکیل، مشاور، کارشناس و...، برای بنیاد و تنظیم قرارداد با آنان؛
- ح. بررسی پیشنهاد فروش اموال منقول و غیرمنقول و نقل و انتقال موقوفات و خرید جایگزین آنها و چگونگی تبدیل به احسن و تصویب یا رد آن، طبق ضوابط مندرج در همین وقف‌نامه؛
- ط. رسیدگی به پیشنهادها: تخریب، بازسازی، احداث بنا و یا انجام تعمیرات اساسی که جهت بقاء و آبادانی و توسعه موارد وقف لازم باشد، و تصویب یا رد یا تعدیل هزینه‌های مربوط به آن؛
- ی. اعلام انقراض هر یک از تیره‌های موقوف‌علیهم (در صورت انقراض)، و ثبت در پرونده آنان.

تبصره: حدود اختیارات مجمع عمومی بنیاد تبار دانشپور - بطور کلی - تمام اختیاراتی است که واقف شرعاً و قانوناً و عرفاً داشته است. تصمیم و مصوبات مجمع عمومی در راستای اهداف سه‌گانه موقوفات به منزله نظر واقف است. آیین‌نامه داخلی مجمع عمومی را، خود مجمع عمومی با تصویب حداقل $\frac{2}{3}$ آرا تدوین می‌کند. مجمع عمومی می‌تواند تمام یا قسمتی از اختیارات خود را برای مدت معین به رئیس مجمع (متولی) یا هر شخص دیگر با تصویب بیش از $\frac{2}{3}$ آرا واگذار نماید. «جَعَلَ الْوَأَقِفَ كَنْصَ الشَّارِعِ».

۱۸. شرح وظایف و حدود اختیارات رئیس مجمع عمومی (که سمت تولیت را نیز دارد):

الف. مراجعه به کلیه ادارات و سازمان‌ها و نهادهای دولتی یا وابسته به دولت، نهادهای انقلابی و حقوقی و شرکت‌های دولتی و غیردولتی و اخذ هرگونه مجوز و استعمال، مراجعه به اداره ثبت اسناد و املاک و دریافت اسناد مالکیت ذی‌ربط، مراجعه به شهرداری و اخذ مفاصاحساب و پروانه‌ی ساختمان، مراجعه به ادارات مالیاتی و اخذ مفاصاحساب مالیاتی، مراجعه به گمرک و ترخیص کالا، مراجعه به دفاتر اسناد رسمی جهت امضای قرارداد، اسناد، اوراق و دفاتر مربوطه، مراجعه به بانک‌ها جهت افتتاح حساب و یا بستن حساب، وصول چک و سفته به حساب موقوفات و صدور چک و سفته و سایر اسناد از طرف بنیاد و...؛

ب. مراجعه به دادگاه‌ها و انجام تشریفات قانونی و تقدیم هرگونه دادخواست به محاکم دادگستری اعم از بدوی، پژوهشی، فرجامی، حقوقی، کیفری و...، تعقیب عملیات قضائی، ثبتی، مالیاتی، شهرداری و... در کلیه مراحل قانونی تا مرحله نهایی، تقاضای صدور اجرائیه و اجرای احکام و...، صلح و سازش با اصحاب دعوی، رجوع به کارشناس و داور، اعتراض به نظر کارشناس و داور و یا تغییر آنان، تجدید جلسه دادگاه، تقدیم دادخواست به منظور وصول اجرت‌المثل محل اجاره، تعدیل مال الاجاره و یا تجدید اجاره، تخلیه ملک موقوفه، خلع ید از متصرفین، و مطالبه سایر حقوق متعلق به موقوفات، پرداخت دستمزد کارشناس، تمبر، حق الوکاله و...؛

ج. اجاره دادن املاک موقوفه به هرکس و به هر مبلغ و به هر مدت و تعیین شرایط لازم طبق ضوابط و مقررات قانونی، رهن و فک رهن، تجدید اجاره و رهن، احداث بنا و ساختمان اعم از بازسازی و نوسازی و انجام هرگونه تغییرات که جهت بقا و توسعه موقوفات لازم باشد و تأدیه هزینه‌ها طبق جعل واقف؛

د. ثبت ریز اموال موقوفه (اعم از منقول و غیرمنقول) با مشخصات دقیق و کامل در دفاتر مخصوص، تعیین انباردار مورد اعتماد (با گرفتن ضامن معتبر) و سپردن اموال به او، حفظ و حراست اموال موقوفه (اعم از منقول و غیرمنقول)؛
ه. تهیه طرح توسعه موقوفه و برنامه‌ریزی برای تعمیرات اساسی و بازسازی و خرید و فروش املاک و اموال (در صورت لزوم) و ارائه طرح‌های خود به مجمع عمومی جهت تصویب و اجرای طرح‌های مصوب و....

تبصره: حدود اختیارات رئیس مجمع عمومی - به استثنای فروش املاک و اموال موقوفه و تبدیل به احسن (که باید به تصویب مجمع عمومی برسد) -، تمام اختیاراتی است که واقف شرعاً و قانوناً و عرفاً داشته، و امضای رئیس مجمع عمومی (متولی) به منزله امضای واقف است. رئیس مجمع عمومی یا تصویب مجمع عمومی می‌تواند تمام یا قسمتی از اختیارات خود را به دیگری واگذار کند.

۱۹. شرح وظایف و حدود اختیارات نایب رئیس مجمع عمومی (که سمت نایب‌التولیه را نیز دارد):

در زمانی که رئیس مجمع عمومی (متولی) تعیین نشده، یا تعیین شده ولی غایب است، یا در مواردی که رئیس مجمع عمومی (متولی) تمام یا قسمتی از اختیارات خود را به نایب رئیس (نایب‌التولیه) محوّل نموده است، نایب رئیس (نایب‌التولیه) قائم مقام رئیس مجمع عمومی بوده و کلیه وظایف مربوط به رئیس (متولی) را انجام می‌دهد و امضای او به منزله امضای رئیس

مجمع عمومی است.

۲۰. شرح وظایف و حدود اختیارات خزانه‌دار و حسابدار (که سمت ناظر و محقق اول را نیز دارد):
 خزانه‌دار، حسابدار و حسابرس بنیاد تبار دانشپور موظف است دفاتر مخصوص پلمپ شده برای ثبت کلیه درآمدها و هزینه‌ها داشته باشد و تمام درآمدها و هزینه‌ها - اعم از پول آب، برق، گاز، تلفن، مالیات و عوارض، دستمزد کارشناس، هزینه دادرسی و تمبر، حق الوکاله، حق التولیه، حق النظاره و هزینه تعمیرات و... - را در آن دفاتر ثبت نموده و در آخر سال مالی طی ترازنامه‌ای به مجمع عمومی اعلام و به تصویب برساند و مدارک آن را برای مدت سه سال بایگانی نماید.

۲۱. شرح وظایف و حدود اختیارات ناظران و بازرسان:

ناظران و بازرسان موظفند تمام عملیات انجام شده و صورت جلسات و حساب‌ها را بررسی نموده و درستی و نادرستی و مطابقت یا عدم مطابقت آنها با مفاد وقف‌نامه را تحقیق کرده و کتباً به مجمع عمومی بنیاد اعلام نمایند. لازم است گزارش ناظران و بازرسان، در مجمع عمومی مطرح و مورد رسیدگی قرار گیرد. هم‌می مسؤولان بنیاد موظفند اسناد لازم را در اختیار ناظران و بازرسان قرار دهند.

۲۲. شرح وظایف و حدود اختیارات منشی (که سمت ناظر و محقق دوم را نیز دارد):

منشی موظف است دفتر و دبیرخانه‌ای برای خود تشکیل دهد و خلاصه تمام صورت جلسات را به‌طور مفید و مختصر در دو نسخه تهیه نموده و به امضای کلیه حاضران در جلسه برساند. همچنین وی موظف است صورت جلسات و سایر اسناد مربوط به موقوفات را - برای مدت سه سال - بایگانی نماید. بدیهی است اسناد و مدارک نباید در اختیار غیرمسؤولان قرار گیرد. علاوه بر این منشی باید نامه‌های رسیده را به مجمع عمومی ارجاع و جواب آن را تهیه و به فرد ذینفع اعلام کند.

۲۳. شرح وظایف کمیته انضباطی:

قصور یا تقصیرات هر یک از اعضاء هیأت رئیسه یا موقوف‌علیهم در کمیته انضباطی مجمع عمومی مطرح و تصمیم کمیته انضباطی با اکثریت $\frac{۲}{۳}$ آرا در خصوص قاصر یا مقصر - مبنی بر تعویض و یا جبران خسارت، یا تعیین اجاره‌بها و اجرت‌المثل و... - لازم‌الاجرا است. رسیدگی به تخلف اعضا اگر از طریق کمیته انضباطی حل نشد، از طریق مراجع قانونی کشور اقدام گردد.

۲۴. چگونگی تشکیل جلسات مجمع عمومی:

برای تشکیل جلسات مجمع عمومی (عادی یا فوق‌العاده)، رئیس مجمع عمومی یا متولی و یا هر کس دیگر راکه آن مجمع تعیین کرده باشد، به طور کتبی - از کلیه موقوف‌علیهم بالغ و عاقل ذکوراً و اناثاً - دعوت به عمل می‌آورد (دعوت‌نامه باید حداقل ده روز قبل از تاریخ تشکیل جلسه به رؤیت آنان برسد).

در صورتی که بر مبنای دعوت نخست به علت به حد نصاب نرسیدن ($\frac{۲}{۳}$ موقوف‌علیهم یا محاسبه وکالت‌دهندگان) حاضران در جلسه - یا به هر علت دیگر - جلسه رسمیت نیابد، لازم است حداکثر به فاصله ۱۵ روز، از کلیه اعضا دعوت مجدد به عمل آید، در این صورت با هر تعداد شرکت‌کننده، جلسه رسمی و مصوبات آن - با اکثریت $\frac{۲}{۳}$ آرا حاضران در جلسه - قابل اجرا است.

تبصره ۱: افرادی از موقوف‌علیهم که - به هر علت - نتوانند در مجمع عمومی شرکت نمایند، می‌توانند حق رأی خود را با وکالت کتبی به فرد دیگری از موقوف‌علیهم که دارای حق رأی باشد واگذار نمایند. هر فرد می‌تواند فقط از یک نفر دیگر وکالت داشته و دارای حداکثر ۲ رأی باشد، تا در نتیجه، جلسات با پنجاه درصد کل موقوف‌علیهم تشکیل شود. لازم است

صورت اسامی تعداد حاضران در جلسه مجمع عمومی و وکالت دهندگان و وکیل شوندگان در صورت جلسه درج گردد.

تبصره ۲: هر یک از موقوف علیهم که بدون عذر موجه سه جلسه متوالی در جلسات مجمع عمومی بنیاد تبار دانشپور شرکت نکند و به موقوف علیهم واجد شرط دیگر هم وکالت ندهد، پرونده‌ی امر، به کمیته انضباطی بنیاد تبار دانشپور ارجاع و حکم داوران کمیته انضباطی در خصوص وی لازم الاجرا است. تشخیص موجه یا غیرموجه بودن غیبت به عهده کمیته انضباطی است.

تبصره ۳: تشکیل جلسه عادی مجمع عمومی در هر سال حداقل یک مرتبه - به منظور رسیدگی به درآمد سال قبل، بررسی هزینه‌ها و اعلام بیلان کار و برنامه ریزی برای سال بعد - الزامی است. جلسات فوق العاده بر حسب ضرورت با تقاضای حداقل $\frac{1}{3}$ از موقوف علیهم یا شخص متولی تشکیل می‌شود. هر جلسه مجمع عمومی دارای صورت جلسه مفید و مختصر - مبنی بر مصوبات و شماره و تاریخ جلسه - خواهد بود که حداقل در دو نسخه تنظیم و پس از امضای کلیه حاضران در جلسه در دو جای مختلف بایگانی می‌شود.

تبصره ۴: کلیه اسناد و مدارک مربوط به موقوفه، زیر نظر مجمع عمومی یا هیأت اماند در دفاتر مخصوص ثبت و در محل مخصوص بایگانی می‌شود. درآمد و هزینه‌های موقوفات بنیاد تبار دانشپور در دفاتر مخصوص بنیاد ثبت می‌شود و کلیه نقل و انتقالات درآمدها و هزینه‌ها به وسیله بانک انجام می‌شود، و مازاد درآمدها در حساب پس انداز بانکی (کوتاهمدت یا بلندمدت شرعی مضاربه‌ای) نگهداری می‌شود.

کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهد آور و چک و سفته و غیره با امضای حداقل دو نفر (که مجمع عمومی تعیین می‌کند) و درج مهر موقوفات بنیاد تبار دانشپور معتبر خواهد بود. مکاتبات رسمی - با تصویب مجمع عمومی - به امضای رئیس مجمع عمومی یا هر کس دیگر که مجمع عمومی صلاح بداند، و با درج مهر موقوفات بنیاد تبار دانشپور معتبر خواهد بود.

۲۵. هیأت امنای بنیاد تبار دانشپور:

در صورتی که - به هر علت - تشکیل جلسات متعدد به نحوی که در بالا گفته شد برای مجمع عمومی مشکل باشد، مجمع عمومی می‌تواند چند نفر از موقوف علیهم را به عنوان هیأت امنای با حداقل $\frac{2}{3}$ آرای انتخاب کند، تا کلیه یا بخشی از وظایف مربوط به مجمع عمومی را انجام دهند. ولی در هر سال حداقل یک مرتبه تشکیل جلسه مجمع عمومی الزامی است. شرح وظایف هیأت امناء را با توجه به اصول و اهداف وقفنامه، مجمع عمومی تدوین و به تصویب حداقل $\frac{2}{3}$ اعضا می‌رساند.

۲۶. سال مالی و بودجه:

مصوبات مجمع عمومی فقط برای مدت یکسال مالی اعتبار دارد، و مجمع عمومی سال بعد در ابقاء، ابطال و یا تغییر مصوبات مجمع عمومی سال قبل مختار است. ابتدا و انتهای سال مالی را مجمع عمومی بنیاد تبار دانشپور تعیین می‌کند. بودجه سالیانه موقوفات بنیاد، همه ساله در دو ماه آخر سال (یا تاریخی که مجمع عمومی تعیین می‌کند) تنظیم گردد. درآمد موقوفات بنیاد تبار دانشپور فعلاً درآمدی ندارد مگر آنکه تمام یا قسمتی از ساختمان ملک موقوفه به اجاره واگذار شود، یا پولی در بانک (با بهره‌ی شرعی مضاربه‌ای کوتاهمدت یا بلندمدت) داشته باشد.

هزینه: هزینه‌های جاری و معمول به قرار زیر است:

الف. هزینه‌های مربوط به حفظ و حراست عین بقای موقوفات از قبیل: تعمیرات، نقاشی و ...؛

ب. هزینه آب، برق، تلفن، گاز، عوارض نوسازی، بیمه و عوارض اتومبیل‌ها، مالیات‌ها، بیمه ساختمان‌ها و ...؛

ج. حقوق متولی، نایب‌التولیه، ناظر، وکیل، کارمندان و هزینه‌های دادرسی و...؛

د. سایر هزینه‌های پیش‌بینی نشده.

۲۷. چگونگی تقسیم منافع موقوفات و هزینه کردن آن: پس از کسر کلیه هزینه‌های ضروری (از قبیل:

هزینه آب، برق، تلفن، گاز، تعمیرات کلی و جزئی ساختمانی، حقوق متولی، نایب‌التولیه، ناظر، وکیل، کارمندان و...) با بررسی و تصویب مجمع عمومی بنیاد تبار دانشپور، درآمد موقوفات بر حسب سه هدف یاد شده، به سه بخش ذیل تقسیم می‌شود:

بخش اول: این بخش مبتنی بر اصل اول (بقا و توسعه) بوده و بر اساس آن لازم است یک ثلث از درآمد

باقیمانده (پس از کسر هزینه‌های ضروری) به صندوق توسعه و بقای موقوفات بنیاد تبار دانشپور (که در بانک

و در حساب کوتاه‌مدت یا بلندمدت با بهره شرعی مضاربه‌ای نگهداری می‌شود)، تخصیص یابد. آنگاه از محل

این درآمد، با تصویب مجمع عمومی بنیاد تبار دانشپور، محل جدیدی خریداری یا ساختمان جدیدی برای

موقوفه احداث گردد؛ و یا تعمیرات اساسی و تغییرات ساختمانی صورت گیرد. در صورتی که سهم یک سال برای خرید یا بنای

ساختمان جدید کافی نباشد سهم این بخش همچنان در بانک (با بهره بلندمدت شرعی مضاربه‌ای) نگهداری می‌شود تا به اندازه

خرید یک محل جدید برسد، یا ساختمان جدیدی از محل آن بنا شود.

تبصره ۱: در صورت ضرورت، با تصویب مجمع عمومی، می‌توان از وجوه این بخش برای بخش حمایت تبار نیازمند،

و یا از بخش حمایت تبار نیازمند برای این بخش به عنوان قرض الحسنه برداشت کرد، و در اولین فرصت اصل مبلغ را به

حساب اصلی برگرداند.

تبصره ۲: چون نوع وقف، هم وقف انتفاع و هم وقف منفعت است، در صورتی که همه یا بعضی از موقوف علیهم

جهت سکونت از محل موقوفات استفاده کنند، ساکن یا ساکنان باید مال الاجاره عرفی محل سکونت خود را - که توسط

کمیته انضباطی مجمع عمومی تعیین می‌گردد - به صندوق کل موقوفات واریز نمایند. (اجاره تعیین شده، نباید از بیست

درصد کل درآمد موقوف علیهم بیشتر باشد) از محل درآمد حاصله، اول هزینه‌های ضروری و بعد $\frac{1}{4}$ سهم بقا و توسعه و

$\frac{1}{4}$ سهم تبار نیازمند به حساب‌های مربوطه واریز گردد، آنگاه موقوف علیهم سهم خود را دریافت نمایند. بدیهی است هر

آنچه موارد وقف توسعه پیدا کرد به همین منوال خواهد بود. «جعلُ الْوَأَقْفِ كَنْصِ الشَّارِعِ».

بخش دوم: این بخش مبتنی است بر اصل و هدف دوم (تشکل تبار محوری)، و آن عبارت است از ثلث دوم درآمد (پس

از کسر هزینه‌های ضروری)، و آن سهم کلیه موقوف علیهم است که در طبقه اول و دوم بین ذکور و اناث به طور مساوی و از

طبقه سوم به بعد منحصراً بین اولاد ذکور نیازمند و غیرنیازمند تقسیم می‌شود. ممکن است سهم هر یک از موقوف علیهم فعلاً

مبلغ ناچیزی باشد، ولی امید است تبار دانشپور این مبلغ ناچیز را - به عنوان برکت کیسه - قبول نمایند (چه کند بینوا نداریش).

هر یک از موقوف علیهم که مایل نبود از سهم خود استفاده کند، می‌تواند آن مبلغ را به نام خود به «صندوق بقا و توسعه» واریز

نماید. «و افعلوا الخیر لعلکم تفلحون» (حج: ۷۷). امید و انتظار پدر از فرزندان این است که مبالغ بیشتری به صندوق بقا و توسعه

واریز نمایند و موقوفات را توسعه دهند، که آیندگان بهره‌ی بیشتری ببرند.

بخش سوم: این بخش مبتنی است بر اصل و هدف سوم (حمایت از تبار نیازمند)، و آن عبارت است از ثلث سوم درآمد (پس از کسر

هزینه‌های ضروری) که سهم تبار نیازمند است. منظور از نیازمندی، هم نیاز مادی (از قبیل هزینه بیماری، دارو، غذا، مسکن، جهیزیه،

هزینه شرعی ازدواج و...) و هم نیاز فرهنگی (از قبیل اهدای جایزه، اعطای بورسیه، هزینه کلاس‌های فوق‌العاده، مطالعات و

تحقیقات، کمک به محققین نیازمند، هزینه تحصیلات دانشگاهی و مدرسه‌ای، چاپ و نشر کتب مفید و...)

تبصره ۱: تشخیص نیازمندی و تعیین اولویت با مجمع عمومی بنیاد تبار دانشپور است.

تبصره ۲: تبار نیازمند، سهم تباری خود را همانند دیگران می‌برد، و سهم نیازمندی خود را به طور رایگان یا به صورت قرض الحسنه و به طور مقطعی با تصویب مجمع عمومی دریافت می‌کند. و آن ربطی به سهم تباری ندارد، و علاوه بر سهم تباری می‌باشد.

تبصره ۳: در صورتی که در یک یا چند سال نیازمند واجد شرایطی از تبار دانشپور وجود نداشته باشد، سهم این بخش در حساب بانکی مدت شرعی مضاربه‌ای، مخصوص حمایت از نیازمندان نگهدای می‌شود، تا نیازمند واجد شرایط پیدا شود. ضمناً از محل این درآمد - با نظر مجمع عمومی - در حمایت از نیازمندان تبار دانشپور غیرموقوف علیهم و یا غیر تبار دانشپور - که همان شرایط را داشته باشند - نیز می‌توان صرف نمود، به همان گونه که در ماده ۱۴ پس از انقراض تبار دانشپور پیش‌بینی شده است.

تبصره ۴: چگونگی تنظیم اعتبارات - اعم از هزینه‌های ضروری و سه بخش اصلی - را مجمع عمومی بنیاد تبار دانشپور با توجه به اصول و اهداف وقف‌نامه تدوین و به تصویب حداقل ۲/۳ اعضا می‌رساند.

۲۸. الزامات: موقوف علیهم بنیاد تبار دانشپور ملزمند مراتب زیر را رعایت نمایند:

الف. اهداف و اصول سه‌گانه موقوفات در رأس امور بنیاد است، و انجام هیچ عملی بر خلاف آن سه هدف جایز نیست. ب. رؤسا، متولیان، نواب، نظار و همه موقوف علیهم ملزمند در حفظ و نگهداری عین موقوفات منقول و غیر منقول کمال مراقبت را نموده، به طوری که موقوفات هر سال نسبت به سال قبل توسعه بیشتر یافته باشد. عرصه و اعیان موقوفات باید به صورت دایر و قابل استفاده باقی بمانند، بر این اساس انجام تعمیرات و نوسازی و بازسازی مقدم بر سایر جهات است.

ج. بیع، تفکیک، افراز و تقسیم اعیان موقوفات (منقول و غیرمنقول) جایز نیست، مگر آنکه به صورت غیر قابل انتفاع و غیر قابل عمران و نوسازی و بازسازی درآید، در این صورت لازم است با شرایطی که در این وقف‌نامه آمده، فروخته و تبدیل به احسن شود.

د. اداره امور موقوفات و چگونگی نگهداری مهر و سایر اسناد مربوط به موقوفات به عهده رئیس مجمع عمومی یا قائم مقام او است.

۲۹. شرایط ضمن العقد:

واقف موارد زیر را ضمن العقد شرط کرد:

الف. تبدیل به احسن: در صورتی که - به هر جهت - برای مجمع عمومی بنیاد تبار دانشپور ثابت شد که نگهداری عرصه و اعیان موقوفات یا سایر اشیای متعلق به موقوفات (مثلاً فرش، یخچال و...) به مصلحت و در جهت اهداف واقف نیست، مجمع عمومی می‌تواند با تصویب بیش از ۲/۳ اعضا آنها را بفروشد و بلافاصله به جای آن ملک، ملک دیگر و بجای آن شیء، شیء دیگری خریداری نماید؛ به طوری که واقعاً تبدیل به احسن شود. در صورت امکان، فروش ملک یا شیء موقوفه و خرید جانشین، در یک جلسه و همزمان به تصویب اعضای مجمع عمومی برسد.

تبصره: در موقع تبدیل به احسن در صورتی که مبلغ موجود در صندوق توسعه، به مبلغ حاصل از فروش املاک یا اشیاء، اضافه شود و ملک یا شیء دیگری خریداری شود، بلا مانع است. اما فروش املاک یا اشیای موقوفه و مصرف آن - بدون خرید جایگزین - جایز نیست. در هر صورت موقوف علیهم موظف هستند نسبت به املاک موقوفه چنان عمل نمایند که

حفظ اصل موقوفه و عمران و آبادی و ازدیاد درآمد حاصل از آن مقدم بر هر چیزی باشد.

ب. امور خیریه و حمایت از عموم نیازمندان: در بند ۱۴ همین وقفنامه - در مورد انقراض تبار دانشپور - مطلبی به این مضمون آمده است: در صورت انقراض تبار دانشپور وقف خاص تبدیل به وقف عام می‌شود.^۲ ثلث درآمد موقوفات، هزینه بقا و توسعه و تکامل، و دو ثلث دیگر آن در جهت حمایت از عموم مردم نیازمند شناخته شده و امور خیریه مصرف می‌شود. بنابراین مجمع عمومی بنیاد تبار دانشپور با تصویب حداقل ۲/۳ آراء می‌تواند در زمان وجود تبار دانشپور - نیز از محل درآمد موقوفات در امور خیریه و حمایت از آن دسته از تبار دانشپور، که جزء موقوف علیهم نیستند و سایر نیازمندان غیر تبار دانشپور - به صورت قرض الحسنه یا بلاعوض - به شرحی که در باره تبار نیازمند (مادی و معنوی) آمده است، استفاده نماید.

ج. همسر واقف (خانم صدیقه قرائتی) مادام‌العمر از سکونت ملک مورد وقف و کلیه اثاث و لوازم موجود در آن استفاده می‌کند و از محل درآمد خود (حقوق بازنشستگی همسر و درآمد اجاره ملک خود) طبق مصوبه مجمع عمومی یا کمیته انضباطی به صندوق موقوفات اجاره می‌پردازد، ولی حداکثر اجاره پرداختی او نباید از بیست درصد کل درآمد او بیشتر باشد.

د. خروج افراد تبار دانشپور از جمع موقوف علیهم: هر یک از افراد تبار دانشپور که معتاد به مواد مخدر شود - به طوری که عرف جامعه و مجمع عمومی او را معتاد بدانند - و نیز هر یک از افراد تبار دانشپور که رفتار اجتماعی او باعث سرشکستگی سایر افراد تبار شود، حق موقوف علیهم بودن از او سلب شده و استفاده از مزایای مادی و معنوی این بنیاد برای او حرام است.

تبصره ۱: تشخیص اعتیاد و ناهنجاریهای رفتاری فرد، با داوران کمیته انضباطی مجمع عمومی بنیاد تبار دانشپور است.

تبصره ۲: به منظور رفع هرگونه ابهام، متعاقب این وقف‌نامه یک وصیت‌نامه نیز نوشته شده و در دفترخانه شماره ۱۹۴ تهران به ثبت رسیده است، لازم است به آن وصیت‌نامه یا وصیت‌نامه‌ای که بعداً خواهم نوشت و نیز وقف‌نامه‌های متعاقب مراجعه شود.

۳۰. اجرای صیغه شرعی وقف و قبض موارد وقف توسط نماینده موقوف علیهم: واقف در کمال صحت و سلامت عقل و شعور و شمول توفیقات و تأییدات الهی، و بدون اکراه و اجبار و با نیت قربه‌الی الله متن وقف‌نامه را در سه اصل و سی ماده و بیست و یک تبصره و چهل بند حرفی (الف. ب. ج. و...) و ده بند عددی (۱ و ۲ و...) تدوین و صیغه شرعی وقف بر آن جاری نمود. - پس از امضای سند وقف‌نامه، موارد وقف، به عنوان موقوفه، توسط متولی فعلی - که همان واقف است - به عنوان نماینده موقوف علیهم قبض گردید.

﴿فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم﴾ (بقره: ۱۸۱)

﴿و از یرفع ابراهیم القواعد من اللبیت و اسماعیل. ربنا تقبل منا انک انت السميع العیم﴾

﴿ربنا و اجعلنا مسلمین لک و من ذریتنا امة مسلمة لک و ارنا منا سکنا و تب علینا انک انت التواب الرحیم﴾

﴿ربنا و ابعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم آیاتک و یعلمهم الکتاب و الحکمة و یرزقهم انک انت العزیز الحکیم﴾ (بقره: ۱۲۷)

با هفتم ذیقعدة الحرام سال یک هزار و چهارصد و بیست و یک هجری قمری و برابر با اول فوریه سال دوهزار و یک میلادی به ثبت رسید.

[محل امضاء واقف]

۱. همان طور که در بند ۵ (انگیزه تأسیس) آمده است، واقف ملک دیگری را طی وقف نامه شماره /۸۴۳۵۳/۵۹/۱۲/۲۷/ وقف عام (آموزش و پرورش) کرده هم اکنون در تهران منطقه ۴ آموزش و پرورش واقع در مجیدیه تهران خیابان کرمان شمالی به نام «مجتمع فرهنگی دکتر س. ع دانشپور» مورد استفاده قرار گرفته است. منظور واقف از اینکه وقف خاص - با شرایطی - تبدیل به وقف عام گردد، نیز وقف آموزش و پرورش (دبستان، راهنمایی و دبیرستان) بوده است که توضیح آن از قلم افتاده است. (واقف).

۲. اصلاح شده، به «وقف آموزش و پرورش».

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی